

نقش تفکر انتقادی در روش تدریس انعکاسی

مؤلف:

افسانه میرخانی

فاطمه رضایی

عباس صفری رضوانی



- سرشناسه : میرخانی، افسانه، ۱۳۶۰-
عنوان و نام پدیدآور : نقش تفکر انتقادی در روش تدریس انعکاسی/ مولف افسانه میرخانی،
فاطمه رضایی، عباس صفری رضوانی.
مشخصات نشر : مشهد: انتشارات جالیز، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری : ۱۳۴ ص.
شابک : ۵۵۰۰۰۰ ریال: 9-884-263-622-978
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۱۷ - ۱۳۳.
موضوع : تدریس فکورانه -- ایران
Reflective teaching -- Iran
تدریس اثربخش -- ایران
Effective teaching -- Iran
اندیشه و تفکر خلاق
Creative thinking
شناسه افزوده : کتایی، فاطمه، ۱۳۶۲ -
شناسه افزوده : صفری رضوانی، عباس، ۱۳۵۶-
رده بندی کنگره : ۳۷۰.۳۵LB
رده بندی دیویی : ۱۰۳/۳۷۱
شماره : ۸۶۸۱۶۶۹
کتابخناسی ملی :
اطلاعات رکورد : فیبا
کتابخناسی :



نقش تفکر انتقادی در روش تدریس انعکاسی
افسانه میرخانی، فاطمه رضایی، عباس صفری رضوانی

ناشر: انتشارات جالیز

چاپ: اول، زمستان ۱۴۰۰ / ۱۰۰۰ نسخه

قطع: وزیری / تعداد صفحه: ۱۲۴

قیمت: ۵۵۰،۰۰۰ ریال

شابک: ۹-۸۸۴-۲۶۳-۶۲۲-۹۷۸

طراح جلد: صالح مقدم

صفحه آرائی: سعید محمد مهدیزاده فیض آبادی

حق چاپ محفوظ است

آدرس: مشهد بلوار شهید رضوی رویروی درب دانشکده رواتشناسی دانشگاه فردوسی

تلفن تماس: ۰۹۱۵۹۳۰۹۹۶۳-۰۹۱۵۸۳۱۹۵۳۵-۰۵۱۳۸۷۹۵۲۸۸

فهرست مطالب

۸	مقدمه
۱۳	روش تدریس انعکاسی
۱۶	اهمیت روش تدریس
۲۰	تعریف روش:
۲۰	تعریف تدریس:
۲۳	روش تدریس انعکاسی
۲۶	مفاهیم گوناگون انعکاسی بودن
۳۱	جایگاه تفکر انعکاسی در تعلیم و تربیت
۳۳	شیوه‌های تقویت تفکر انعکاسی و ارتقاء اندیشه‌ورزی
۳۷	مفهوم تفکر انتقادی
۳۹	پرسشگری؛ قلب تفکر انتقادی
۴۱	اهداف تفکر انتقادی
۴۲	ویژگی‌های تفکر انتقادی
۴۳	کنجکاوی اندیشمندانه
۴۶	ماهیت تفکر انتقادی
۵۰	تعریف تفکر انتقادی از دیدگاه‌های مختلف

۵۳	چرا تفکر انتقادی باید قسمتی از تمام دروس باشد؟
۵۴	مربیان تعلیم و تربیت و تفکر انتقادی
۵۴	سقراط
۵۶	افلاطون
۵۸	کانت
۵۹	رابرت انیس
۶۲	ماتیو لیپمن
۶۴	فرایند تفکر انتقادی
۶۸	ویژگی های افراد دارای تفکر انتقادی
۶۹	اهمیت و ضرورت تفکر انتقادی
۷۲	تفکر انتقادی و تعلیم و تربیت
۷۸	مهارت های تفکر انتقادی
۸۳	انگیزه پیشرفت تحصیلی
۸۸	منشأ انگیزه پیشرفت
۹۲	الگوی اتکینسون در انگیزه پیشرفت
۹۳	نظریه مک کللند در انگیزه پیشرفت
۹۵	برخی از جنبه های شخصیتی افراد پیشرفت گرا

امروزه در تعیین اهداف تربیتی و فرایند آموزش، رویکرد های جدیدی مطرح شده است، یکی از بارزترین رویکردها توجه به تفکر است، صاحب نظران معتقدند که نخستین هدف تعلیم و تربیت بایستی پرورش انسان های صاحب اندیشه و دارای ذهن کاوشگر باشد، رشد و پرورش مهارت های فکری دانش آموزان همواره در آموزش مساله مهمی بوده است به نحوی که متخصصان امور تربیتی بشدت از ناتوانی دانش آموزان در امر تفکر انتقادی ابراز نگرانی کرده اند (شعبانی، ۱۳۸۸، ص ۱۹). تفکر انتقادی، تفکری مستدل و منطقی است که به منظور بررسی و تجدید نظر عقاید، نظرات، اعمال و تصمیم گیری درباره آنها بر مبنای دلایل و شواهد مؤید آنها و نتایج درست و منطقی که پیامد آنهاست (هاشمیان نژاد، ۱۳۸۰، ص ۲۷).

تفکر انتقادی فرآیند فعالیت منظم عقلانی و ماهرانه مفهوم سازی، کاربرد، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی مجموعه ای از اطلاعات و یا تعمیم آن می باشد که به وسیله مشاهده، تجربه، اندیشه، منطق یا ارتباط به عنوان راهنمای نگرش و رفتار عمل می نماید. تفکر انتقادی سبکی از تفکر در باره هر موضوعی، محتوایی یا مسأله ای است؛ تفکری است که مسائل و سئوالات اساسی را مطرح می کند و آنها را به طور واضح و دقیق فرموله می کند، اطلاعات مرتبط را جمع آوری و بررسی می نماید، عقاید انتزاعی را به طور مؤثر تفسیر کرده تا به راه حلها و

نتایج منطقی دست یابد و با دیگران ارتباط های مؤثری را برای حل مسائل پیچیده برقرار می نماید (اسکریون و پاول^۱، ۲۰۰۷، ص ۶۳).

توجه نظام آموزش و پرورش و برنامه درسی به عنوان یکی از حلقه های اساسی نظام کلان تربیتی و آموزشی به مهارت های تفکر به ویژه تفکر انتقادی نقطه قوتی است که می تواند آموزش و پرورش بالنده را به همراه داشته باشد و ضرورتی اجتناب ناپذیر باید محسوب گردد، در این راستا، مهارت های تفکر انتقادی، که هسته تفکر انتقادی را تشکیل می دهند شامل تفسیر، تحلیل، ارزشیابی، استنباط، توضیح و خود تنظیمی می باشد.

یکی از مهمترین چالش های آموزش و پرورش قرن بیست و یکم، چگونگی تربیت فراگیرانی است که از آمادگی لازم برای رویارویی با جامعه در حال تغییر و پیچیدگی های عصر انفجار اطلاعات برخوردار باشند. پیشرفت های گسترده علمی و فناوری همراه با منسوخ شدن سریع یافته ها و اطلاعات قبلی مستلزم نوعی تعلیم و تربیت است که در آن دانش آموزان به طور مداوم درگیر فرایند یادگیری و حل مسئله باشند و از رویارویی با چالش ها لذت ببرند. برخی تحقیقات اخیر نشان می دهند که یافته ها و حاصل پژوهش ها در عرض کمتر از چند سال از درجه اعتبار ساقط می شوند و کهنه خواهند شد (به نقل از مهر محمدی، ۱۳۸۹) در این صورت، چگونه می توان زمینه های لازم شناختی و انگیزشی لازم را در دانش آموزان ایجاد کرد تا به

صورت خودانگیخته به تجربه پردازند و به این تجارب از راه تحلیل و تعمق معنا بخشند. یکی از مهمترین راه‌های دستیابی به اهداف فوق، ترویج اندیشیدن و اندیشه‌ورزی در مدارس و مراکز آموزشی است.

اندیشه‌پروری را با واژه‌هایی نظیر «تفکر انعکاسی» بیان می‌کنند. این واژه مبین نقش فعال و درگیری مداوم دانش‌آموزان در فرایند یادگیری و یاددهی است.^۱ دیویی (۱۹۹۳) تفکر انعکاسی را توجه دقیق، فعالانه، و مستمر به اطلاعات و زمینه‌های حمایت‌کننده از آن و در نظر گرفتن نتایج و تبعات آن اطلاعات می‌داند. یادگیرندگان با استفاده از مشارکت فعالانه در این نوع از تفکر یعنی تفکر انعکاسی است که می‌توانند نسبت به یادگیری خودآگاه باشند و آن را کنترل کنند. به طور کلی، منظور از تفکر انعکاسی آن است که دانش‌آموز با دقت و اندیشه لازم بر آوردی از دانسته‌ها و عدم دانسته‌های خود ارائه دهد. از این طریق می‌تواند بر آورد کند که چه چیزی می‌داند، چه چیز باید بداند، و چگونه فاصله بین این دو وضعیت را تکمیل نماید. کوان^۲ (۱۹۹۸) معتقد است که دانش‌آموزان در هنگام تفکر انعکاسی درگیر یک مسئله یا رویداد می‌شوند و این درگیری معمولاً به شکل درگیری نزدیک و تنگاتنگ در فرایند یادگیری است و شاخصی از میزان یادگیری فرد به حساب می‌آید. در این معنا، فرد یادگیرنده در موقع اندیشیدن به یک مطلب به جزئیات محرک توجه می‌کند. در تفکر انعکاسی از

^۱ Dewey

^۲ Cowan

فرایندهای ذهنی سطح بالا که فراتر از تفکر صرف و یادآوری مطلق اطلاعات است استفاده می‌شود. تفکر انعکاسی نقش زیادی در یادگیری و به‌خصوص یادگیری از راه حل مسئله دارد. تحریک تفکر انعکاسی انتقال یادگیری را تسهیل می‌نماید و با تقویت این نوع تفکر به دانش‌آموز کمک می‌شود تا از آموخته‌های خود در موقعیت‌های جدید و پیچیده استفاده کند. ارتباط بین مطالب یادگیری جدید و آموخته‌های قبلی، اندیشیدن به امور انتزاعی و سطح بالا، استفاده از راهبردهای خاص یادگیری، درک تفکر شخصی و راهبردهای یادگیری و پرداختن به یادگیری از راه حل مسئله از جمله پیامدهای مثبت ترویج تفکر انعکاسی است. رابطه یادگیری مسئله محور و تفکر انعکاسی را می‌توان بدین گونه مطرح کرد که هرگاه دانش‌آموز با مسئله‌ای مواجه می‌شود، تفکر انعکاسی به او کمک می‌کند تا نسبت به پیشرفت یادگیری خود آگاه‌تر شود، راهبردهای مناسب برای حل مسئله را انتخاب کند، و مشخص کند که از چه راهی می‌تواند اطلاعات لازم را برای حل مسئله جمع‌آوری کند. (مون^۱، ۲۰۰۹).

شناسایی مفهوم انگیزش و آگاهی از انگیزه‌های مختلف و تأثیر آنها بر فرایند یادگیری دانش‌آموزان به معلم کمک می‌کند تا در طرح و اجرای برنامه‌های آموزشی خود روشهای بهتری را به کار بندد. اصطلاح انگیزش را می‌توان به نوان عامل نیرو دهنده، هدایت کننده و نگهدارنده رفتار تعریف کرد (سیف، ۱۳۸۸). انگیزش از مهم ترین عناصر یادگیری در هر نوع

¹ Moon

محیط آموزشی است که حیطه وسیعی از در آموزش و پرورش در بر گرفته است. به طور کلی، انگیزش سطح انرژی و فعالیت افراد را افزایش می دهد؛ آنها را به طرف اهداف خاصی جهت داده و فعالیت های ویژه ای را موجب می شود (مصطفایی، ۱۳۸۵). انگیزش مانند آمادگی ذهنی یا رفتارهای ورودی یک پیش نیاز یادگیری به حساب می آید و تأثیر آن بر یادگیری کاملاً آشکار است. یکی از سازه هایی که روانشناسان برای تبیین پیشرفت افراد از آن استفاده کرده اند، انگیزه پیشرفت است. گنج و برلایندر^۱ (۱۹۹۲) انگیزه و پیشرفت را به صورت یک میل یا علاقه به موفقیت در یک زمینه فعالیت خاص تعریف کرده اند. طبق پژوهش های انجام شده، افراد دارای انگیزه پیشرفت زیاد در انجام کارها و از جمله یادگیری بر افرادی که از این انگیزه بی بهره اند پیشی می گیرند (گلستانی هاشمی، ۱۳۹۰).

دوره متوسطه یکی از دوره های حساس تحصیلی است که در آن دانش آموزان، به دلیل پشت سر گذاشتن دوران بلوغ، از نظر ماهیت و نوع تفکر دچار تحولات اساسی می شوند و به تفکر انتزاعی دست می یابند، به علاوه زمینه لازم برای کسب مهارت های انتقادی بیش از دوره های قبلی برایشان فراهم می آید. بنابراین برنامه های درسی این دوره باید به نحو شایسته ای روحیه تحقیق، خلاقیت و نقادی در تحلیل موضوعات و مسائل اجتماعی را در آنها پرورش دهد (یعقوبی و معروفی، ۱۳۸۹، ص ۶).